

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نامبر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: مصیم
تلفن: ۴۴۵۲۳۲۷۵

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۱ • ۶ شوال ۱۴۴۳ • ۸ می ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۲۲۷ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۱۶
اذان صبح فردا ۴:۲۹ • طلوع آفتاب ۶:۰۵

# شترق

دیالوگ روز

**هامون- داریوش مهرجویی -۱۳۶۸**

هامون (خسرو شکیبایی): آقای رئیس، این خانوم، این آقا و فک و فامیلشون دست به دست هم دادن که منو نابود کنن. باساین گذاشته سر محل که منو دستگیر کنه... انکار من جنایت کردم، حالا هم باید نفقشو بدم... هم خونه رو بدم، هم مهریه رو بدم...

هم بچه‌مو بدم، هم شرفمو بدم. چرا؟ چرا؟ من نمی‌تونم طلاق بدم؟ من نمی‌تونم. این زن، این زن سهم منه، حق منه، عشق منه...

من طلاق نمی‌دم...

### یادداشت

برای سالروز تولد استاد بنان

## ترانه هستی، کیهان کلهر

## و حکایت یک پایان‌بندی متفاوت



سیدابوالحسن مختاباد



پایان‌بندی موسیقی سریال «خاتون» در نوع خود خرق عادتی بود و نوعی سنت‌شکنی؛ آن‌هم در فضایی که شنیده‌های ما حکایت از بریز و بیاش‌های فراوان و لای‌های تودرتو و بیجیده برای تصاحب پایان‌بندی برخی از سریال‌ها از سوی این و آن دارد و حتی گفته می‌شود پول‌های کلانی نیز ریزوبر می‌شود تا این‌ بخواند و آن نتواند. اما در میان این هیابانگ‌ها، آهنگساز و موزیسینی آشنا به ظرایف و دقایق موسیقی و آگاه به برخی از آثار جاودان تاریخ موسیقی ایران، به سراغ یکی از ترانه‌های ماندگار با صدای بنان رفت و دیگران را تحذیر داد و مصادق آن حکایت شیخ عطار شد که حکیمی به زیدی که به دنبال گمشده (در اینجا گنج) خود بود، ندا داد که به دنبال اصل باشند و نه فرع و بدل و اصل در همین نزدیکی‌هاست و نیازی نیست این همه راه دور بروید:

آب نزدیک است چندینی متاب/ چون فرو بردی دو گز خاک، اینت آب/ کرب باید کرد مرد کار نیست/ ورنه تا آب از تو ره بسیار نیست/ ای دریا روهی، شد شیر تو/ تشنه می‌بری و دریا زیر تو/ تشنه از دریا جدایی می‌کنی/ بر سر گنجی گدایی می‌کنی/ ای عجب چندان ملک در درد و رنج/ بر سر گنج‌اند و می‌چوبند گنج.

در این میانه کنجکاو بومد که دریام چرا آقای کلهر به سراغ این ترانه رفت تا فرصتی شد و در گپی کوتاه از ایشان شنیدم: همیشه عاشق صدای بنان بومد و به‌خصوص این تصنیف را خیلی دوست داشتم. وقتی ساخت موسیقی سریال خاتون به من پیشنهاد شد، با درنظرگرفتن داستان و مضمون، به ذهنم رسید بهترین ترکیب متصور برای من، همین ترانه است و با همین ذهنیت به سراغ این آهنگ رفتم و البته جدای از آن چند دلیل دیگر هم داشتم.

اول به دلیل اینکه یک بدهکاری معنوی به بنان حس می‌کردم و دوست داشتم اثری از ایشان در یک چارچوب و با آهنگ‌سازی و تنظیمی متفاوت به نسل جدید معرفی شود که خوشبختانه در این مورد موفق بود.

دلیل دوم، موسیقی پایان‌بندی سریال‌های ایرانی است که به

نظم نیاز به آسیب‌شناسی جدی دارد، چون به ورطه‌ای از انحطاط و نشیب افتاده است؛ چه در آهنگسازی و چه در خوانندگی و به نظر می‌رسد بیش از آنکه محتوای این پایان‌بندی‌ها و سنجخت این تنظیمی متفاوت به نسل جدید معرفی شود که خوشبختانه در این مورد موفق بود.

دلیل دوم، موسیقی پایان‌بندی سریال‌های ایرانی است که به نظم نیاز به آسیب‌شناسی جدی دارد، چون به ورطه‌ای از انحطاط و نشیب افتاده است؛ چه در آهنگسازی و چه در خوانندگی و به نظر می‌رسد بیش از آنکه محتوای این پایان‌بندی‌ها و سنجخت این تنظیمی متفاوت به نسل جدید معرفی شود که خوشبختانه در این مورد موفق بود.



پویانعمت‌اللهی

دکترای علوم ارتباطات وروزنامه‌نگار

در روزهای اخیر موضوع کندم و فرآورده‌های آن به بزرگ‌ترین دغدغه ذهنی مردم و دولت‌مردان و صنعتگران این حوزه تبدیل شده است.

موضوع از چند روز قبل آغاز شد؛ جایی که در رسانه‌های اجتماعی خبر از کمبود روغن در مغازه‌ها داده شد. سیل مراجعه برای خرید روغن خوراکی منجر به اتمام باقی‌مانده

موجودی فروشگاه‌ها شد اما هیچ صдаيي از مسئولان برنیامد.

در ادامه نیز موجودی ماکارونی مغازه‌ها کاهش یافت و نبود ماکارونی شهر را فراگرفت. ماکارونی ارزش غذایی خاصی ندارد اما شکم‌پرکن است و نیازی نیست که حتما همراه آن گوشت مصرف شود؛ بنابراین در سال‌های اخیر تبدیل به یکی از اقلام برمصرف مردم عادی شده بود و خیر کمبود یا گرانی آن واقعا برای خیلی از اقشار کشور تکران‌کننده بود.

اما بازم در روزهای اولیه، مقامات سکوت کرده بودند و این وظیفه را بر دوش برخی کارشناسان همسوی دولت انداختند تا در رسانه‌های اجتماعی از این اقدام حمایت کنند. کارشاسان مذکور فهرستی از دلایل (از چاقاق آرد و یارانه آن گرفته تا جنگ روسیه و اوکراین) ارائه کردند. این اظهارنظرات به‌سرعت از سوی کارشناسان مستقل زیر سؤال رفت.

در روزهای اولیه (متأثر از تعطیلات عید فطر و تقارن آخر هفته) این شکاف اطلاع‌رسانی همچنان باقی بود.

اکنون که چنین تصمیمی با این حجم از آثار نتوانسته شرق؛ وضعیت معیشت و رفاه چهره‌های مطرح هنر، به‌خصوص آن دسته از افرادی که دوره کهنسالی را پشت‌سر می‌گذارند، از جمله موضوعاتی است که این روزها به بحث داغی بدل شده است. چندی پیش ویدئویی به رضا رویگری بازیگر، سینما، تاتر و تلویزیون در خانه سالمندان منتشر و به سرعت در فضای مجازی بازنشر شد. از همان ساعات ابتدایی منتشرشدن این ویدئو بسیاری به دنبال رفع مشکلات رویگری برآمدند و در نهایت برخی هنرمندانی با شرایط مشابه قرار خواهد گرفت.

از سویی دیگر برخی دیگر از هنرمندان با مشکلاتی مشابه سال‌هاست که روزگار می‌گذرانند و کمتر کسی از شرایط زیستی آنها باخبر است. اصغر شاهوردی از صداپرداران باسابقه سینمای ایران که فیلم‌هایی مانند «هامون»، «پری»، «لیلا»، «قرمز»، «باشو غریبه کوچک»، «آجاره‌نشین‌ها»، «شاید وقتی دیگر»، «کیمیا»، «سارا»، «بانو»، «زیر پوست شهر» و «خانه دوست کجاست؟» را در کارنامه کاری خود دارد، سال ۱۳۸۶ هم‌زمان با ساخت فیلم «چراغی در مه» در یک حادثهٔ رانندگی هنگام بازگشت از صحنه دچار آسیب‌دیدگی مغزی شد و تا به امروز در منزل مسکونی‌اش تحت درمان است و قادر به انجام کاری نیست. سینما تعداد

بود کارشناسان اقتصادی و اجتماعی و همچنین مردم عادی را اقناع کند، چاره‌ای جز حضور مقامات مربوطه نبود. اما مقامات نیز حرف تازه‌ای غیر از آنچه کارشناسان همسوی دولت گفته بودند، نداشتند.

نکته مورد توجه نیز همین است. در غیاب اطلاع‌رسانی دقیق از سوی مراجع دولتی، امکان هرگونه مستندسازی واقعی یا غیرواقعی وجود دارد. ذکر دو نمونه راهگشاست. مورد اول رئیس اتحادیه نان فانتزی است که گفته قیمت آرد واحدهای نان فانتزی یکباره در هر کیسه نزدیک به ۱۰ برابر افزایش یافته است. نامبرده این افزایش را در توضیح دلیل قیمت ۱۰هزار تومانی نان باگت ارائه کرده و اظهار کره که نرخ‌نامه‌ای که در فضای مجازی دست‌به‌دست می‌شود، واقعی نیست.

او سپس نتیجه موردنظر خود را گرفته ناظر بر اینکه نان فانتزی دیگر نرخ مصوب ندارد و به‌صورت عرضه و تقاضا و رقابتی است. معنای این حرف این است که هر قطعه نان باگت بیشتر از ۱۰هزار تومان قیمت خواهد داشت.

مورد دوم مشاور انجمن کارفرمایان کارخانجات ماکارونی است. وی در یک موضع عجیب، اظهار کرده کارخانه‌هایی که ماکارونی را با آرد پارانشای تولید کرده‌اند، نمی‌توانند به قیمت گران‌تری بفروشند و کسانی که یک شبه قیمت‌ها را تغییر داده‌اند، مشمول تعزیرات می‌شوند.

واقعبیت آن است که در غیاب یک «ناظر»، «مطلع» یا «سنخکو» که فعالیت‌ها و تحولات این صنعت را رصد کرده و حسب مورد اظهارنظر یا موضع‌گیری کند، امثال نامبرده این جسارت را پیدا می‌کند که چنین جملاتی را خطاب به دیگر اشخاص بیان کند.

وی با بیان اینکه صنعت ماکارونی تنها صنفی بود که اصرار داشت برای جلوگیری از رانت و فساد، کندم یارانه‌ای نمی‌خواهد، گفت: «با وجود افزایش هزینه‌ها هم هیچ‌وقت

# وقتی مسئولان از ماکارونی جا ماندند

قیمت‌ها را افزایش ندادیم و در سال ۱۴۰۰ هم ما ماکارونی را به قیمت سال ۹۸ عرضه کردیم». این در حالی است که رئیس کانون انجمن‌های صنایع غذایی معتقد است کارخانه‌های ماکارونی سالانه ۳۰۰ هزار تن ماکارونی صادر می‌کنند که همه از همین آردهای یارانه‌ای درست شده است.

مردم عادی اطلاعی از تحولات دقیق صنایع ماکارونی نداشته و علاقه‌ای هم به دانستن آن ندارند. این از جمله وظایف مقامات دولتی است که چنین تحولاتی را دنبال کرده و در مواقع مقتضی تلاش کنند افکار عمومی را اقناع کرده و با تصمیمات خود همسو کنند. ولی در چند روزی که از این وقایع می‌گذرد، عملاً رسانه‌ها عرصه تاخت‌وتاز کارشناسان و صنعتگران موفق و مخالف دولت بود و شاکله اطلاع‌رسانی و تبلیغات دولتی نیازی ندید که مردم را قانع سازد. اغلب هدف اقناع آن است که افراد کاری را انجام دهند که در صورت عدم اقناع انجام نمی‌دهند. از منظر شخصی که اقناع شده است، فرایند اقناع متضمن حدی از فشار روانی است و پیوستاری دارد که یک قطب آن «نفوذ» و قطب دیگر «جبر» است.

در قطب نفوذ، فشار مبنایی استدلالی و منطقی داشته و در قطب مقابل نیز فشار می‌تواند مبنای تهدیدکننده و تنبیهی داشته باشد. اقناع جایی میان این دو قطب است که هم از استدلال منطقی بهره می‌گیرد و هم به هیجان‌ها متوسل می‌شود.

در قضیه‌ای به این سطح از اهمیت و در غیاب تیم‌های واکنش سریع اطلاع‌رسانی و سنخکونی، امکان ایجاد اقناع از بین رفت.

این‌بار نیز کاسبان و منتفعان این تصمیم بودند که موفق شدند فضای رسانه‌ای را در دست بگیرند و بازم مسئولان و تصمیم‌گیران و روابط‌عمومی‌های مربوطه را جا بگذارند.

## زیر آسمان جهان

## کارمندان به مزرعه می‌روند

رویترز: به گفته رسانه‌های دولتی کره‌شمالی، کارمندان اداری و کارگران کارخانه‌ها به مناطق کشاورزی در سراسر این کشور اعزام شده‌اند تا به مبارزه با خشک‌سالی بپیوندند. این اقدام در بحبوحه تکرانی‌ها درباره کمبود طولانی‌مدت مواد غذایی صورت می‌گیرد. کیم جونگ اون، رهبر کره‌شمالی، خواستار اقداماتی برای بهبود وضعیت غذایی پرتنش در این کشور شده؛ وضعیتی که ناشی از همه‌گیری کووید۱۹ و توفان‌های آب‌وهوایی در اوایل سال گذشته است. خشک‌سالی و سیل مدت‌هاست تهدیدی اقلیمی برای کره‌شمالی به شمار می‌رود. کشوری که فاقد سیستم‌های آبیاری و سایر زیرساخت‌های فنی است و هرگونه خطر طبیعی جدی می‌تواند اقتصاد منزوی آن را بیشتر فلج کند. کشوری که در حال حاضر اقتصاد آن به دلیل تحریم‌های بین‌المللی دچار مشکلات حادی است.

روزنامه رودونگ سپینومن شمال گزارش داده است مقامات دولتی، کارگران شرکت و کارخانه دست به دست هم دادند تا همراه با کشاورزان سراسر این کشور به توزیع تجهیزات میمپا و توسعه منابع آب در مناطق مستعد خشک‌سالی بپیوندند. هرچند اطلاعات درباره این کشور محدود است، اما گفته می‌شود این تلاش‌ها با هدف مقابله با خشک‌سالی مداوم و آماده‌سازی برای خشک‌سالی آینده است. همچنین مردم استخرهایی ایجاد کرده‌اند، کود و تقویت‌کننده به محصولات اضافه کرده‌اند و تراکتورها، کامیون‌ها و کشاورزان را برای حمل آب به مزارع فرستاده‌اند.

یکی از کارمندان اعزامی گفت واحدهای کارگری جوان‌تر که معمولاً در پروژه‌های زیربنایی بزرگ به کار گرفته می‌شدند، اخیرا آبراهایی را در شهرهای بندری شرقی ساخته‌اند.

او در بخش دیگری از پیونگ‌یانگ خواست تا مرزهای خود را برای کمک به کارگران و واردات مواد غذایی بازگشایی کند و تأکید کرد که انزوای عمیق این کشور ممکن است بسیاری دیگر از مردم آن را با گرسنگی مواجه کند. کره‌شمالی به‌طور رسمی هیچ مورد کووید۱۹ را تأیید نکرده، اما سازمان «برنامه جهانی غذا» تخمین زده است که حتی قبل از شیوع این بیماری همه‌گیر، ۱۱ میلیون نفر یا بیش از ۴۰ درصد از جمعیت کره‌شمالی، دچار سوءتغذیه بودند و به کمک‌های بشردوستانه نیاز داشتند.



♦ حجم آب مخزن سد کرخه بزرگ‌ترین سد خاکی خاورمیانه و یکی از مهم‌ترین منابع تأمین آب شرب خوزستان به دلیل بارندگی کم در وضعیت بحرانی قرار گرفته است. عکس: علی‌معرف، ابرنا

### نامه‌به‌وزیر بهداشت

## درخواست جمع‌بندی آموزه‌های دو سال کرونایی



ارباب‌تقوا

روان‌پزشک

دو سال پیش که کرونا در کشور شیوع پیدا کرد دو گروه با نحله‌های فکری مختلف، ادعای مبارزه و شکست‌دادن کرونا را مطرح کردند و گفتند که می‌خواهند کرونا را چاره کنند. یکی جانب‌علم و دستاوردهای دانش را گرفت و آهسته و پیوسته - بی‌قبل‌وقال- راهش را پیش برد و دیگری انواعی از روش‌های درمانی مختلف و توصیه‌ها را به گوش مردم رساند. با واکنس مخالفت کرد. فاصله فیزیکی را به سخره گرفت، به حامیانش توصیه کرد پیشنهادهای پزشکی را جدی نگیرند و به جای آن از ترکیباتی که آنها معرفی می‌کنند، استفاده کنند؛ برخی به این گروه اقبال نشان دادند و فرامین ایشان را حسب مودتِ درین، اجرا کردند. اکنون که شرایط کرونا در مهر نسبی است و از آمار مرگ‌ومیرها کاسته شده است، به نظر می‌رسد زمان آن فرارسیده باشد که حضرت‌عالی نتیجه این دو رویکرد را جمع‌بندی و به پیشگاه مردم ارائه کنید. مستحضرد که مصیبت‌ها و بلایا باوجود داغ‌هایی‌که به همراه می‌آورند، بستری برای مطالعه‌ها و ارائه راهکار برای رخدادهای بعدی هستند. بهتر از من می‌دانید برخی کشورها جهش‌های پزشکی امروز خود را مرهون بررسی و درس‌آموزی از پرونده‌ها و پژوهش‌های اواخر قرن ۱۹ و ۲۰ می‌دانند. از همین رو خواستارم در کنار تلاش‌های قبلی و برای ثبت روشگرانه در تاریخ پزشکی، نکاتی را که از ارزیابی‌های فراگیر اپیدمیولوژیک در این دو سال اندوخته‌ایم، برای عموم ساکنان امروز و فردای این سرزمین بیان کنید. بی‌شک یافته‌ها، قالب‌کار و نقشه راهی که ارائه می‌کنید، برای آیندگان مفید، آموزنده و راهگشا خواهد بود.



## چه خبر؟

**دوبچه‌وله:** جمعیت موسوم به «اتحادیه جوانان سوسیالیست مپهن‌پرست» که در نقش پلیس کره شمالی عمل می‌کنند، از زان ۲۰ و ۳۰ ساله که شلوارهای تنگ یا شلوار چین تنگ پوشیده و قانون را نقض کرده‌اند، فیلم‌برداری می‌کند و سپس آنان را به مراکز در نظر گرفته‌شده فرامی‌خواند و از آنان می‌خواهد تا متن دست‌نویس خودانتقادی را بنویسند و متعهد شوند که جرم الکویداری از مد غربی را تکرار نکنند. پیراهن‌ها، ژاکت‌ها و مدل‌های موی غربی در کره شمالی غیرقانونی محسوب می‌شوند. هم‌چنین، هر نوع بی‌رسمیت (سوراخ‌کردن) صورت مانند لب و بینی در کره شمالی ممنوع است.

**الشوق الاوسط:** «وجدان الماجد» هنرمند ۴۹ساله عراقی در ۹ ماه اخیر در بغداد، ۱۵ نقاشی دیواری از چهره‌های برجسته این کشور و جهان خلق کرده است. یکی از آنها چهره زها حدید است که ۹۵۰ پروژه را در ۴۴ کشور اجرا کرده است. در دیوارنگاره او که در تقاطع روبه‌روی پل صرافیه قرار دارد، به نظر می‌رسد مشتاقانه منظر باغی است که با گیاهان و گل‌ها میله شده و اطراف آن را سنگ سفیدی احاطه کرده است. ماکس وبر و مادر ترزا و چند شخصیت عراقی دیگر جزء این چهره‌ها هستند.

**ایسننا:** فرح‌الله صبا در یکی از روزهای دهه ۴۰ به‌طور اتفاقی مطلبی را برای نشریه روشنفکری می‌نویسد که سال‌هاست به اشتباه در میان مردم به عنوان نامه چارلی چاپلین به دخترش دست‌به‌دست می‌شود. حالا این دروغ یکی از پرعمرترین دروغ‌های رسانه‌ها و جراید ایران است. این نامه جعلی در مقدمه چند کتاب هم منتشر شده و به آن استاد می‌شود.